

عراق و جنگ جهانی دوم

«بحث مادر مسئله تاریخ عراق - در شماره آینده که مربوط به «کمونیسم و عراق» است پایان مییابد و چنانکه ملاحظه میفرمایید بحث ماضی را بحث تاریخ است و سپس درباره عراق امروز و شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و . . . و تاریخ آنها بحث خواهیم کرد»



عراق بیطرفی شد :

در یکی از شماره های گذشته اشاره کردیم که اوایل سال ۱۹۴۱ م « رشید عالی گیلانی » که نخست وزیر عراق بود سقوط کرد و بدنبال وی « طه الهاشمی » نخست وزیر رسید ؛ ولی رشید عالی بهیچکاری چهار نفر از سرهنگ های ارتش قیام کرد و « عبدالاله » و « نوری سعید » و رجال ؛ دیگر همگی به سوریه و فلسطین واردن فرار کردند . . .

بریتانیا که با عراق « بیسانی » داشت ، از بدو شروع جنگ جهانی دوم میخواست عراق نیز بر ضد آلمان و ایتالیا وارد جنگ شود و حتی « برطبق بیسان » فرودگاه « سبانیه » و « سن الذبان » را اشغال کرده و آراسته بود و برای نقل و انتقال لشکریان خود از هندوستان به فلسطین از جاده ها و راه های آهن و بندر های عراق استفاده میکرد . علاوه از آن در - خواست کرد که رابطه سیاسی عراق با ایتالیا قطع شود و در ارتش آنجا نظارت کند و او را ضعیف سازد و از لحاظ عملیات احتمالی بر ضد سوریه اشغال کند . . . (۱)

(۱) : « مسئله عرب » تألیف « ژنرال پی برکلی » ترجمه عباس شومی چاپ

البته طبق معمول، عده‌ای که سرسپرده استعمار بودند، حاضر بودند که این مسائل را بعنوان «هم پیمان» بودن، بدون قید و شرط قبول کنند ولی گروه دیگری حاضر شدند که با شرایطی در جنگ بر ضد «دول مجبور» شرکت کنند:

نخست آنکه ارتش عراق کلاً در مناسبات و مناسبات مجبور و مسامح گردد و بدین سبب فلسطین بنفع مسلمانان بماند و اجرت هم بدین فلسطین که بکسب استعمار انجام می‌یافت موقوف گردد و هرچنان که عراق می‌خواستند در مقابل خسارتی که از شرکت در جنگ نصیب آنها خواهد شد، لااقل نیروهای مجبوری داشته باشند که پس از پایان جنگ بتوانند نیرومند و قوی باشند تا از نو تحت قیومت دیگران در نیایند و ثانیاً می‌خواستند که تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین عربی فلسطین عملی نشود و این بابکگاه خطر ناک استعماری در آنجا برقرار نگردد.

این دو امر حداقل خواست مشروع مردم بود ولی پس از مذاکره؛ استعمار هیچ‌یک از این دو شرط را قبول نکرد و در نتیجه آرزوهای مردم مسلمان عراق بر باد رفته و میل بی‌اس گشت...

حکومت جدید که «حکومت دفاع ملی» نامیده می‌شد و رئیس آن رشید عالی کیلانی بود؛ قهرآسیاست بی‌طرفی را پیش گرفت و حتی روابط عراق را با آلمان صمیمانه تر کرد و از طرفی چون «عبدالله» طرفدار قبول بدون قید و شرط شرایط استعماری شرکت در جنگ بود، در شهرستانها با مخالفت و تحرک بر ضد حکومت ملی پرداخت (۱) ولی با احتیاط کردند که هر چه زودتر عراق را ترک گویند و می‌مجبور شد که بلافاصله از عراق بیرون رود...

پس از این ماجرا؛ در میان وزرای حکومت ملی، عده‌ای خواستار جمهوری بودند و عده دیگر پیشنهاد کردند که «امیر شرف» ولیعهد گردد و «ابن بی‌شهاد» پذیرفته شد و «امیر شرف» نایب‌السلطنه عراق شد...

جهادی از نو؛ حکومت ملی عراق برای طرد بنفای استعمار، عجله کرد و به اطراف پایگاه و فرودگاه «سن‌الدبان» نیرو فرستاد ولی بلافاصله حمله‌های هوایی بر ضد نیروهای عراقی شروع شد...

بدین ترتیب، جنگی از نو بر ضد استعمار در گرفت و مراجع بزرگ شیعه و علمای

(۱) : الاسرار الخفية لحوادث سنة ۱۹۴۱ تألیف سید عبدالرزاق حسینی مؤرخ عراقی

اسلامی فتوای چهارم دادند تا همه با هم بر ضد نیروهای متجاوز بکشد... (۱)
البته بقول نویسنده گمان غربی، حکومت ملی، یک حکومت دیکتاتوری است و فاشیستی؛ و غیر قانونی است؛ بود:

«فریاضشارک» مینویسد: «... دیکتاتوری نظامی تحت نظر چهار ژنرال با نظارت حکومت پارلمانی بوسیله رشید عالی برقرار گردید» (۲) «ژنرال بی‌شکوه» هم مینویسد که «رشید عالی با همکاری با دولت مجبور که آنان را بیاری طلبید کشور را بسورت فاشیستی در آورد» (۳)

ولی همکاری با دولت مجبور هم بهانه‌ای بیش نبود و هیئت‌عام هرگز نتوانست به حکومت دفاع ملی کمک قابل توجهی بنماید و لذا سر نوشت عراق بسته به نیروهای ملی بود. ارتش عراق دیکتاتورهای ملی مردم‌سالاران، بدویخ در این تیرد جدید ضد استعماری و تجاوز عسوانی شرکت کردند ولی چنانکه خواهیم دید، حمله‌های هوایی هواپیماهای استعمار سر انجام ملت را مسبور بمقتب؛ شو کرد و جنبش ملی عراق از نو سر کوب گشت.

روش امپریالیسم

کوبیدن جنبش ملی ۱۹۴۱ م که برهبری «حکومت دفاع ملی» اداره میشد و از طرف طغیان اسلامی هم تأیید میگشت، با استفاده از روش و تاکتیک دامی امپریالیسم بود، روشی که قبلاً نیز در عراق یکی دو بار آزمایش شده بود
«جوهر لعل نهر» در کتاب خود ضمن بحث از «عراق و نتایج بی‌امانهای هوایی» در این باره چنین مینویسد: «... قدرت و تسلط استعمار و امپریالیستی از ابتدای تاریخ همواره با خشونت و ویرانی و تباهی و ترویرسم تحمیل گشته.

عامل جدید در امپریالیسم نوع تازه کوششی است که برای پنهان داشتن خشونت و درندگی خود در پشت جملات برهبر کارانه مانند «قیومت» و «خبر و صلاح نوده‌های مردم» و «تربیت کردن مردم عقب مانده برای حکومت مستقل» و نظایر این عبارات بکار می‌برند.

امپریالیست‌ها مردم را بگلرگی می‌بندند و میکشند همه چیز را ویران و نابود (بقیه در صفحه ۶۲)

(۱) : چهار نمونه از این فتواها در شماره ۲ سال جدید مجله ترجمه و نقل شد؛ مرصحه شود.

(۲) : Islam to day (اسلام امروز) قسمت مربوط به تاریخ عراق قلم Freya stark

(۳) : مسئله عرب... ص ۶۱.

نوشته ای باشد یا بدون آن، مثلا خواندن حمد و سوره در نماز قرائت میگویند، در حالیکه از رو خوانده نمی شود و یا اینکه در روایاتی که وارد شده فرموده اند: لا تقرء القرآن بالبحان اهل الفسوق یعنی قرآن را با آهنگ خوانند گان آلوده نخوایند. بدیهی است در اینجا منظور خواندن قرآن است اعم از اینکه از رو باشد یا از حفظ.

خلاصه مفهوم قرائت بلا مفهوم اعم میباشد و شواهد زیادی برای آن هست و لذا در شأن نزول آیه مورد سؤال این موضوع متکسر است که خواندن پیشتر آیات اولیه تر آنرا از حفظ بوده است نه از روی قرآن.

ضمناً آقای نامبرده سؤال دیگری هم کرده اند که بطور خصوصی جواب برای ایشان فرستاده میشود سؤال سوم:

آقای محمد رضا ایمانی از همایون شهر مینو بسند:

آیا از نظر علم طب خوردن حرام در نطفه تأثیر سوئی دارد؟

پاسخ:

خود! کهائیکه در دین اسلام حرام شده است دودسته اند: ۱- خوراکی که از زبان جسمی یا جسمی و روحی هر دو وارد اند مانند مشروبات الکلی که آنرا زبان بخش آن از نظر جسمی غیر قابل انکار است در همین گوشت مرد و در امثال آن ۲- خوراکی که آنرا زبان بخش روحی و معنوی دارند مانند خوراکی که از زهر زهره زهره و اموال تبیان و زدی و امثال آن تهیه شود. بدیهی است دسته اول از نظر طبی زبان بخش است و طلب امر و زکستهای زیادی از آنرا کشف کرده است و ممکن است دو آئینده برده از روی تستهای دیگری بر داشته شود. اینگونه خوراکیها بدون شك در وضع نطفه انسان هم مؤثر خواهد بود و اما دسته دوم اگر چه از نظر طبی تأثیری در بدن ندارد ولیکن از آنجائیکه رابطه نزدیکی میان جسم و جان انسان است، هنگامیکه اینگونه غذاها در بدن وارد شد بطور مسلم عکس العمل آن در روح انسان پدید میشود و ساقه نازکی بر صفحه روح انسان میافتد. اینگونه غذاها در نطفه نیز مؤثر است و تأثیر سوئی از نظر روانی در فرزند آن آئینده خواهد داشت.

(بقیه از صفحه ۵۹) میبازند و بهانه ایشان هم نیرو و صلاح مردم است که بگلوله بت میشوند؛ شاید این زور و قوه خدایان را از ایشان بیشتر میباشد زیرا بکار بردن زور و نشانۀ ارزش داشتن نیکی و حقیقت است و شاهد آنست که بی بردن بحقیقت مطلوب نیست و از این رو حقایق تلخ را در میان لغاتی از عبارات خوش ظاهر و زیبا می پیچند و پنهان میدارند اما در واقع این زورهای ریاکارانه خیلی زشت تر از خود حقایق تلخ میباشد. . . . (۱)

آری! بدینوسیله و با این اسلحه، استعمار میخواست حکومت قانونی! سابق را روی کار بیاورد...

(۱) : «نگاهی بتاریخ جهان» تألیف «جوهر لعل نهر» نخست و زبر هنده جلد

۳ ترجمه محمود انصاری ص ۱۶۴۸ و ۱۶۴۹ چاپ تهران